

نسخه تکراری



عاطفه خسروی
مدیر مسئول

اقتصاد ایران با ابرچالش‌های جدی مواجه است که همچنان در نسخه راهکار برون‌رفت از این چالش‌ها، مواردی مانند کنترل تورم، اجرای خصوصی‌سازی واقعی، حذف رانت و فساد، بهبود فضای کسب‌وکار و رفع موانع تولید در صدر توصیه‌ها قرار می‌گیرند. توصیه‌هایی که وجود آنها در بعدی دیگر خود در قالب «چالش» نیز فضا را برای رشد اقتصاد تنگ کرده‌اند.

تورم، به‌عنوان اصلی‌ترین درد مزمن اقتصاد، طی سال‌های اخیر نه‌فقط به معیشت مردم، بلکه به بنیان‌های تولید و سرمایه‌گذاری آسیب زده و سال‌هاست که نوسانات تورمی همچنان فشار بر بخش‌های مختلف اقتصاد را افزایش می‌دهد. کارشناسان معتقدند بدون ایجاد چارچوب‌های منظم در بودجه، نظام مالی دولت و بانک‌ها، سیاست‌های کوتاه‌مدت قادر به کنترل این نوسانات نخواهند بود و اصلاحات گسترده و همزمان در تمام حوزه‌های اقتصادی ضروری است. وضعیت فعلی نشان می‌دهد که نظم مالی و رعایت چارچوب‌های مقرراتی در بسیاری از بخش‌ها هنوز جای پیشرفت دارد و این موضوع توانایی مقابله با تورم را محدود می‌کند. در این بین باتوجه به نقش بانک‌ها و نظام بانکی در فرآیندهای تسهیلات‌دهی، فشارهای ناشی از پرداخت طرح‌های بدون توجیه اقتصادی، منابع بانک‌ها را درگیر کرده است و برداشت از منابع بانک مرکزی را افزایش می‌دهد. این روند، علاوه بر محدود کردن ابزارهای کنترلی، موجب تشدید فشارهای تورمی می‌شود. به‌گفته کارشناسان، اصلاحات ساختاری و شفافیت در تخصیص منابع، پایه‌ای‌ترین اقدام برای کنترل پایدار تورم و ارتقای ثبات اقتصادی کشور است.

برای بهبود فضای کسب‌وکار و رفع موانع تولید نیز علاوه بر خروج انحصار در اقتصاد باید نگاه ویژه‌ای به ساختار مالیات‌ستانی داشت. مالیات، نقش محوری در اداره اقتصاد و عدالت اجتماعی دارد، اما نظام مالیاتی ما فرسوده و ناکارآمد است و هنوز نتوانسته‌ایم به نظام مالیاتی مدرن و هوشمند دست یابیم. کاهش مالیات بر تولید و درک ایجاد فضای کار برای مناطق کمتر توسعه‌یافته به‌ویژه در مناطق دریامحور برای رونق تولید از جمله اولویت‌هایی است که باید در دستور کار دولت و به‌ویژه وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گیرد. به پیشنهاد بسیاری از فعالان اقتصادی، این کار می‌تواند با کاهش نرخ مالیاتی پس از بررسی شرایط متفاوت مناطق انجام گیرد و همچنین با وضع مالیات‌های جدید، پایه‌های مالیاتی جدیدی ایجاد کند.

نکته مهم دیگر این است که برخی از قوانین ما خیلی مترقی نیستند و در بسیاری از موارد، قوانین ما ضد توسعه و تولید عمل می‌کنند. بخش تولید به‌دلیل فشار هزینه‌ها، محدودیت‌های فناوری و دسترسی دشوار به بازارهای صادراتی نتوانسته نقش واقعی خود را در اقتصاد ایفا کند.

بهبود فضای کسب‌وکار نه‌تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه یک الزام اجتماعی برای کاهش نابرابری و ایجاد فرصت‌های برابر است. مقررات غیرپایدار، تصمیمات متناقض و فرآیندهای پیچیده اداری، محیط کسب‌وکار را غیرقابل‌پیش‌بینی کرده و انگیزه فعالیت مولد را کاهش داده است. این ناطمینانی بزرگ‌ترین مانع جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی است.

تاریخچه توجه به بهبود فضای کسب‌وکار در ایران به برنامه‌های توسعه‌ی پیشین بازمی‌گردد، جایی که فصل‌هایی به این موضوع اختصاص یافت و قوانینی برای کاهش موانع تولید و سرمایه‌گذاری تصویب شد. در بندهای مرتبط با رشد اقتصادی، تأکید بر تحقق رشد پایدار تولید ناخالص داخلی، کاهش شکاف پس‌انداز – سرمایه‌گذاری و حفظ تعادل در نسبت پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی شده است. این سیاست‌ها بهبود فضای کسب‌وکار را به‌عنوان مکملی برای خصوصی‌سازی می‌دانند و بر ضرورت ایجاد محیطی شفاف، پایدار و حمایت‌کننده تأکید دارند.

از سوی دیگر، یکی از مسائل مهمی که اکنون با آن مواجهیم، خروج اقتصاد ایران از ریل اصلی و رسیدن به حالتی مبهم، پیچیده و گنگ است. شبهه‌دولتی‌ها مانع از شکل‌گیری خصوصی‌سازی شده‌اند و در نتیجه پس از اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در اقتصاد ایران به‌جای اینکه به اهداف موردنظر برسیم، وارد یک مسیر انحرافی شدیم. نتیجه این سیاست‌ها شکل‌گیری شبهه‌دولتی‌هایی در اقتصاد ایران بود که اکنون منافع و نفوذ زیادی دارند.

آنچه مسلم است اصلاحات جامع در تمامی بخش‌های اقتصادی کشور ضروری است و ادامه سیاست‌های فعلی بدون اصلاحات ساختاری می‌تواند شرایط اقتصادی را وخیم‌تر کند، اما اعمال سیاست‌های محدود و بدون چارچوب مناسب، مانند افزایش نرخ حامل‌های انرژی به‌تنهایی، نه‌فقط به کنترل تورم کمک نمی‌کند، بلکه می‌تواند فشار اقتصادی بر مردم و تولیدکنندگان را افزایش دهد.

ساماندهی واقعی اقتصاد ایران، مستلزم اجرای اصلاحات جامع و همزمان در همه وجوه ساختاری است و تنها در این صورت است که ثبات اقتصادی و کنترل تورم به‌طور پایدار امکان‌پذیر خواهد بود.

باتوجه به موارد یادشده، راهکارهای مطرح برای اصلاحات اقتصادی، همان نسخه تکراری است و به‌نظر می‌رسد اقتصاد ایران بیشتر از آنکه به نسخه‌های تخصصی نیاز داشته باشد، محتاج روش اجرا و زمان درست اجرای طرح‌های اصلاحات ساختاری است.

خبر

شاید اگر چند سال قبل درباره اصلاحات ساختاری حرفی به‌میان می‌آمد، چندان بااهمیت نبود و موردتوجه نیز قرار نمی‌گرفت. اما با اتفاقات سال‌های اخیر، اصلاحات ساختاری تبدیل به یکی از ضرورت‌های کشور شد و اهمیت آن، چه برای سیاست‌گذار و چه برای کارشناسان مشخص شد تا آنجا که بالاخره لزوم انجام اصلاحات ساختاری در دستور کار دولت قرار گرفت و اجرایی شد.

رسیدن به این نقطه و قرار گرفتن اصلاحات در صدر توجهات چندان ساده نبود و مسیر پرفراز و نشیبی طی شد. کسب تجارب متعدد و اجرای انواع برنامه‌ها در دولت‌های مختلف، اجرای ۵ برنامه توسعه، آسیب‌شناسی وضعیت کشور توسط اندیشمندان و کارشناسان و بیان انتقاده‌ا و راهکارهای مختلف از جمله اتفاقاتی بود که سیاست‌گذار را به‌سمت ضرورت اصلاح ساختاری سوق داد.

ساختار اقتصادی ایران دارای ویژگی‌هایی است که در طول سالیان متعددی شکل گرفته‌اند. برخی از ویژگی‌های آن، ریشه تاریخی دارد و به حتی قرن‌ها قبل برمی‌گردد. برخی دیگر ساختارهای نوینی هستند که در یک قرن اخیر شکل گرفته‌اند و برخی نیز جدیدتر هستند و به کمتر از نیم قرن اخیر بازمی‌گردند.

باوجود تمام دستاوردهای اقتصادی که در سال‌های اخیر حاصل شده و

اصلاحات اقتصادی دولت به اوج رسیده و همچنان با واکنش‌های متفاوتی همراه است.

از سویی تأثیر سیاست‌های دولت و وزارت اقتصاد و بانک مرکزی با جدیت پیگیر اجرای طرح حذف ارز ترجیحی هستند و از سوی دیگر انتقاده‌ها به کنترل بازار و افزایش قیمت‌ها ادامه دارد.

سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد در تبیین سیاست‌های دولت در خصوص «جراحی اقتصادی»، بااشاره به اینکه ادامه نظام چندنرخ‌ی ارز عملاً غیرممکن بود و سیاست دولت حرکت به‌سمت تک‌نرخ‌ی شدن کامل ارز بوده، از تشکیل صندوق نوسان نرخ ارز خبر داد و تأکید کرد؛ دیگر ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی داده نخواهد شد. وی با تأکید بر ناکارآمدی تخصیص ارز تر جیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی به واردکنندگان در حالی‌که نرخ بازار تجاری بالای ۷۰ هزار تومان بود، توضیح داد که این ارز یارانه‌ای به‌دلیل ساختار معیوب زنجیره توزیع، جز برای کالاهای کاملاً مصرفی نظیر روغن، با نرخ‌ی نزدیک به نرخ آزاد به‌دست مصرف‌کننده می‌رسید. آنچه در ادامه می‌خوانید، نگاه وزیر اقتصاد دولت چهاردهم به ابعاد «جراحی اقتصادی» است.

– باوجود تخصیص ارز تر جیحی برای مهار تورم کالاهای اساسی، بیشترین تورم دقیقاًدر این بخش، به‌ویژه موادغذایی، رخ داده‌است. دلیل این امر، انحصارها و ناکارآمدی در زنجیره تولید و توزیع است که نرخ نهایی را به‌شدت افزایش می‌داد. – در کشوری با ۸۰ میلیون جمعیت و تنوع بالای کالاه‌ا که شرکت‌های دریافت‌کننده یارانه‌ها کتر بالایی دارند، کنترل یارانه‌ارزی در طول زنجیره تولید

مر حله دوم: تحویل بسته‌های کالایی

– درباره اجرای حمایت معیشتی از ابتدا قرار بود این حمایت به ۲ روش

و به انتخاب مردم اجرا شود. اجرای مرحله دوم به‌صورت تحویل بسته‌های کالایی، نیازمند بستن قرار دادها با تولیدکنندگان و توزیع کنندگان بود که این امر با سرعت توسط وزارت رفاه انجام و بسته‌های جدید رونمایی شد. این رویکرد از قبل در صوبه ۱۷ بندی دولت پیش‌بینی شده بود تا ثبات اقتصادی سریع تر برقرار شود.

– از ابتدا تأکید رئیس‌جمهور این بود که اعتبار کالابرج در صورت افزایش نرخ ارز یا نرخ کالاها، متناسب با تورم افزایش یابد تا قدرت خرید مردم حفظ شود.

– این طرح با مدل‌های پیشین تفاوت اساسی دارد، زیرا در گذشته مبلغی ثابت تخصیص می‌یافت، اما اعتبار کالابرج کنونی به‌صورت پویا

«جراحی» در محیط آلوده

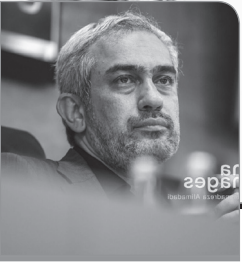
تلاش‌هایی که برای بهبود وضعیت اقتصادی انجام گرفته، اما هنوز اقتصاد کشور با مشکلات عدیده‌ای روبرو است و کارنامه چندان موفقی ندارد. این کارنامه ناموفق تا اندازه زیادی نتیجه ساختارهای نامناسب اقتصادی است. بنابراین اصلاح ساختاری اقتصادی می‌تواند نقشی حیاتی در بهبود عملکرد اقتصاد ایران داشته باشد.

اصلاح نظام مالیاتی (اصلاح قوانین، گسترش پایه‌های مالیاتی، گسترش ابزارها و روش‌های نوین مالیات‌ستانی و ...)، اصلاح نظام بودجه‌ریزی، اصلاح نظام بازنشستگی و صندوق‌های بازنشستگی (اصلاح قوانین کار و بازنشستگی، اصلاح ساختار اجرایی صندوق‌ها، اصلاح ساختار مدیریتی و ...)، اصلاح نظام بانکی (سالم‌سازی ترازنامه بانک‌ها، بهبود شاخص کفایت سرمایه، واگذاری بنگاه‌ها و املاک، بهبود نظام کارمزد و ...)، اصلاح ساختار دولت (کوچک‌سازی، کاهش وظایف، گسترش دولت الکترونیک و ...) برخی از مهم‌ترین اصلاحات اقتصادی هستند که باید انجام شوند. گام بزرگ دولت در حذف ارز ترجیحی نیز نخستین گام این مسیر بود که بالاخره برداشته شد که بسیاری با تأکید بر ضرورت اجرای آن از زمان و نحوه اجرای نامناسب انتقاد دارند.

اقتصاد ایران پس از پشت‌سر گذاشتن فراز و نشیب‌های فراوان، باوجود حصول دستاوردهای متعدد، اکنون درگیر چالش‌های مختلف و متعددی

است. رشد اقتصادی پایین و پرنوسان، تورم بالا و مستمر، نرخ بیکاری بالا، مشکلات زیست‌محیطی و ... از جمله مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران هستند. این شرایط سبب شده است تا اصلاحات ساختاری در اولویت کشور قرار گیرد. این اصلاحات دارای ابعاد و مصادیق گسترده و متعددی است که پرداختن به همه آنها به‌صورت همزمان ممکن نیست. بنابراین ضروری است یک نقشه‌راه دقیق با استفاده از نظرات تمام کارشناسان و مدیران خبره کشور تدوین شود. همه قوا، دستگاه‌ها و ذی‌نفعان اعم از بخش دولتی، شبه‌دولتی و خصوصی نیز باید در تحقق این نقشه‌راه و برنامه‌های اصلاحی مشارکت و نقش‌آفرینی فعال کنند. موفقیت این برنامه اصلاحی، نیازمند یک عزم ملی و فراقوه‌ای و توجه به الزامات و اجرای موفق اصلاحات ساختاری، بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی کشور حل خواهد شد و گامی بلند در راستای تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برداشته خواهد شد. افزایش رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری، کاهش تورم، افزایش تاب‌آوری اقتصادی، افزایش درآمد سرانه، کاهش نابرابری و فساد از جمله میوه‌های شیرین این اصلاحات ساختاری هستند. در پرونده این شماره **تلاش** به موضوع اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران پرداخته‌ایم.

تشریح ابعاد «جراحی اقتصادی» از نگاه وزیر اقتصاد



مر حله نخست: حذف ارز ترجیحی

افزایش یافته است، زیرا وارد کنندگان برای واردات کالا یا تهرات آزادی عمل دارند و فرایند پرهزینه و پیچیده تخصیص ارز با بروکراسی سنگین حذف شده است. – ابتدای اجرای طرح، به‌دلیل ابهام و بی‌اطلاعی، بخشی از افزایش قیمت‌ها ناشی از هیجانات بازار بود. تیم اقتصادی به‌صورت مستمر بازار را رصد کرده و هر گونه خلل در واردات یا زنجیره تولید با ورود دستگاه‌های مرتبط رفع شده است.

عملاً ممکن نیست. به‌همین دلیل، سیاست دولت بر توزیع مستقیم یارانه به خود مردم و پرداخت یکسان آن متمرکز شد.

– هیچ‌سرخ ارز تر جیحی جدیدی شکل نخواهد گرفت و بانک مرکزی اکنون تسلط کامل بر بازار ارز دارد. واردات هیچ کالایی بازار تر جیحی انجام نمی‌شود و استان‌های مرزی روگرد واردات کالاهای اساسی راثبت کرده‌اند. عرضه ارز به‌شدت

تقویت هماهنگی‌های اقتصادی با کار گروه ویژه

– در قالب اتاق عملیات اقتصادی، کار گروهی با استفاده از اصل ۱۳۸ قانون اساسی از وزرای اقتصادی تشکیل شده است. مصوبات این کار گروه با مضای رئیس‌جمهور و در سطح هیات‌وزیران به‌اجرا در می‌آید.

۷۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه در گردش برای پشتیبانی از واردات و توزیع کالاهای اساسی تخصیص یافته است. وی تأکید کرد؛ این حجم عظیم از نقدینگی، با اجرای همزمان سیاست پولی انقباضی و استریلیزه‌سازی (عقیم‌سازی)، هیچ‌اثر تورمی برپایه پولی کشور نخواهد گذاشت. – این سرمایه‌از طریق بانک‌های عامل شامل بانک کشاورزی، بانک صنعت و معدن و سایر بانک‌ها به‌فلال معرفی شده از سوی وزار تخانه‌های صمت و جهاد کشاورزی اختصاص می‌یابد. – این اقدام به‌صورت مذتورمی طراحی شده‌است، به این معنی که هر میزان نقدینگی ایجادشود، همزمان از طریق ابزارهای انقباضی جمع‌آوری خواهد شد تا برپایه پولی اثر نگذارد. در کنار این تزریق نقدینگی مستقیم، روش‌های تأمین مالی زنجیره‌ای نیز فعال شده‌اند. یکی از ابزارهای جدید، تصویب اوراق گام‌ویژه (شبه‌ارزی) است که به‌واردکنندگان اجازه می‌دهد، بدون نیاز به خرید فوری ارز با قیمت‌های بالا، کالا وارد کرده و پس از فروش، بازپرداخت را انجام دهند.

تغییر سیاست ارزی به‌نفع تولید

– سیاست قبلی ارزی (یارانه تر جیحی) به‌شدت اشتباه بود و بیشتر عاملی برای حمایت از واردات و فشار بر تولید داخل تلقی می‌شد. – تخصیص ارز با نرخ‌های تر جیحی، منابع ارزی کشور را به‌جای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، صرف واردات و صادرات غیرمنطقی می‌کرد. – یکسانی‌سازی نرخ‌ها به‌نفع تولیدکننده داخلی است و با حذف پیچیدگی‌های تخصیص ارز، تولید و صادرات تقویت خواهند شد.



سامانه جامع منجر به فساد می‌شود. به‌طورمثال یک نفر با می‌شناسیم که چند پاساژ دارد و همزمان از کمیته امداد سهمیه می‌گیرد؛ زیرا به او گفته‌اند اگر این کار را انجام دهد، مشمول مالیات قرار نمی‌گیرد. کارت‌های بانکی این فرد هم به نام افراد دیگر است. در عین حال افرادی را می‌بینیم که مستحق دریافت یارانه هستند،

اما به‌دلیل آنکه اشتباه‌ها در دهک ۹ و ۱۰ قرار گرفته‌اند، یارانه به آنها تعلق نمی‌گیرد. اگر سامانه‌ها به هم متصل شوند، جوی سوءاستفاده از اقتصاد کشور گرفته می‌شود. بنابراین همه دستگاه‌ها باید ملزم باشند تا اطلاعات خود را روی سامانه‌ها بارگذاری کنند و در معرض دید عموم قرار دهند. از سوی دیگر، تلاش برای برداشتن تحریم‌ها از دیگر موارد ضروری برای کشور است. دستگاه دیپلماسی همه تلاش خود را به کار گیرد که تحریم‌ها بر داشته شود؛ چراکه بخش قابل توجهی از ایرانیان اعم از ایرانیان داخل تحریم‌های بین‌المللی است. البته تحریم‌های داخلی هم مثل به کار نگرفتن مردم در اقتصاد کشور وجود دارد که باید برداشته شود. همه ایرانیان اعم از ایرانیان داخل و خارج از کشور باید در پیشرفت ایران سهیم باشند. علاوه بر تمام موارد یادشده، تصویب قانون نوآوری از دیگر الزاماتی است که باید در دستور کار دولت قرار گیرد. یعنی دولت و مجلس فورا قانون نوآوری را در دستور کار قرار داده و تصویب کنند. به این صورت که هر کس نوآوری داشت، مشمول تشویق قرار بگیرد. حمایت از نوآوری باعث تقویت بهره‌وری می‌شود. قوانین خوب مثل رقابتی شدن فعالیت‌های اقتصادی هم که تقریباً مسکوت مانده است، باید با جدیت اجرا شود. امضا‌های طلایی نیز برداشته شود و دستگاه‌هایی که این امتیاز را برای خودشان قائل هستند، مشمول مجازات‌های کیفری قرار گیرند.

عده‌ای در کمین رانت جدید هستند!

صنایع را کاهش دهد. مناسفانه از ۷ سال پیش، دچار تورم ۵۰ درصد هستیم، این مسئله باعث می‌شود، تولید و اشتغال با برود و تورم‌های بالای ۵۰ درصد تعدیل شود. ما جزو معدود کشورهایی هستیم که از حدود ۷ سال پیاپی در تورم ۵۰ تا ۶۰ درصد به‌سر می‌بریم و آمارهای غیررسمی ارقام بالاتری را نشان می‌دهد. علاوه بر تک‌نرخ‌ی شدن ارز، باید اصلاحات ساختاری اقتصادی نیز در دستور کار قرار گیرد. به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل حذف ارز تر جیحی آن است که دولت با شرایط سختی مواجه شده‌است. از طرف دیگر، اجرای این برنامه به افزایش هزینه خانوارها منجر شد. نرخ کالاهای اساسی چندبرابر شده است و کالابرج یک میلیون تومانی دولت برای جبران این هزینه‌ها کافی نیست. تمام برنامه‌های دولت و مجلس از جمله همین تک‌نرخ‌ی شدن ارز، باید پیوسته ضربه‌های دندرات داشته باشد، در غیر این صورت عده‌ای ذی‌نفع می‌شوند و آن را با شکست مواجه می‌کنند. به‌طورمثال در لایحه بودجه ۱۴۰۵ که هم‌اکنون در مجلس قرار دارد، باید کسری بودجه دولت متوقف شود. دستگاه‌های بودجه‌خور و دستگاه‌هایی که بازمی‌پایین دارند نیز، بودجه‌شان کم یا حذف شود. برای تقویت بنیه اقتصاد باید بخش غیردولتی و مردم پای کار بیایند و دولت بخش خصوصی واقعی را حمایت کند. الان مردم از اقتصاد حذف شده‌اند و گاهی مجبورند با یک‌سری بخش خصوصی، رانت‌خوار و غیرمردمی رقابت کنند. یکی دیگر از اقدامات این است که الزامی ایجاد شود تا ابربدکاران بانکی، پول را برگردانند. برای دستگاه‌های دولتی و شبه‌دولتی نیز این الزام ایجاد شود که شفاف شوند. اتصال سامانه‌های خدماتی و دولتی به یکدیگر از دیگر الزامات است. بر همین اساس در حال حاضر با تعداد کثیری از سامانه‌ها در سطوح مختلف مثل سامانه‌های بانکی، ثبتی، شهرداری، املاک، بازرگانی و ... مواجهیم؛ این سامانه‌ها به هم متصل شوند و سامانه جامع اطلاعاتی برای افراد تشکیل شود تا سیاست‌ها بر مبنای آن باشد. این واقعیتی انکارناپذیر است که نبود شفافیت و عدم وجود اطلاعات افراد در یک

یادداشت